

نظریه انتخاب عقلانی: دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران*

رضا کوچک زاده تهمتن^۱، مهناز گودرزی^۲

دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۲۶

پذیرش مقاله: ۹۶/۱۱/۳۰

چکیده

بحران سوریه که از آن به‌عنوان یک بحران منطقه‌ای نام برده می‌شود سبب شده است تا عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم شود و بازیگران درگیر در آن، به رویارویی و بعضاً تعامل با یکدیگر پرداخته و عرصه‌هایی از منازعه تا همکاری را رقم بزنند. یکی از این قدرت‌ها روسیه است. اهداف روسیه از مداخله در سوریه کمک به برقراری یک نظام چندقطبی، رشد و ارتقاء نقش بین‌المللی روسیه همانند یک قدرت بزرگ و یکی از مراکز جهانی، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی دینی و مقابله با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو است. لذا با توجه به اهداف فوق مقاله حاضر درصدد بررسی حضور روسیه در سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی ایران است که پس از بسط فضای مفهومی موضوع، از رویکردهای نظری انتخاب عقلانی در تبیین نظری موضوع استفاده خواهد کرد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه‌شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای است. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که اولاً، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک سوریه در منطقه و اهمیت استراتژیک و راهبردی این کشور در معادلات بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، بحران سوریه امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز مانند دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با چالش‌ها و تهدیداتی جدی مواجه کرده است و ثانیاً حضور روسیه در سوریه باعث خواهد شده، تا بحران سوریه در کنار ابعاد منطقه‌ای و داخلی، بعد بین‌المللی هم پیدا کرده و این می‌تواند به نفع جمهوری اسلامی ایران باشد؛ چراکه ایران اولویت را به مبارزه با تروریسم در منطقه می‌دهد و این مسئله مستقیماً بر منافع ملی ایران تأثیر خواهد گذاشت.

واژگان کلیدی: روسیه، نظریه انتخاب عقلانی، سوریه، امنیت ملی، ایران

۱- دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

Email: r_tahamtan50@yahoo.com

۲- استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: m_goodarzi@khuisf.ac.ir



مقدمه

بحران سوریه به‌عنوان یک بحران منطقه‌ای حاد موجب شده است بازیگران مختلف درگیر در آن به رویارویی و بعضاً تعامل با یکدیگر پرداخته و عرصه‌هایی از منازعه و همکاری را رقم بزنند؛ به‌گونه‌ای که به دنبال دامنه‌دار شدن بحران سوریه جهت‌گیری‌های متفاوتی از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال آن اتخاذ شده است. در این راستا نقش‌آفرینی بازیگر تأثیرگذاری مثل فدراسیون روسیه از جهات مختلف حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا این کشور از یک‌سو بازیگری اثرگذار در بسیاری از مسائل و بحران‌های منطقه‌ای و بعضاً بین‌المللی است و از سوی دیگر به علت داشتن روابط دیرینه با سوریه و همچنین داشتن پایگاه نظامی در این کشور، تلاش می‌کند سطح نفوذ خود را در معادلات سیاسی امنیتی دمشق حفظ کند. بدین علت فدراسیون روسیه بازیگری مهم در بحران سوریه تلقی می‌شود. متناسب با این موضوع و بر اساس نظریه انتخاب عقلانی^۱ که هدف دخالت هر بازیگر در هر امری کسب بیشترین سود و منفعت است، هدف این مقاله نیز (۱) بررسی دلایل حضور روسیه در سوریه یا در واقع منافع یا منفعت‌های حضور روسیه در این بحران بر طبق نظریه انتخاب عقلانی؛ و (۲) بررسی اینکه حضور روسیه چگونه و از چه طریقی امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه مسلم است فدراسیون روسیه با درک واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود تلاش دارد از به هم خوردن وضع موجود و توازن قوا در بحران سوریه جلوگیری کند و به دنبال آن جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی تقویت شود. لذا بررسی این موضوع که برقراری موازنه و ارتقاء جایگاه روسیه از طریق حضور در سوریه چه عواقبی برای ایران در پی خواهد داشت نیز بر اهمیت مقاله خواهد افزود. اما بعد از مشخص شدن هدف مقاله ما با این سؤال روبه‌رو هستیم که: بحران سوریه و حضور روسیه در این بحران چه تأثیری بر منافع ملی ایران خواهد داشت؟

مبانی نظری**الف - پیشینه :**

محقق بر این عقیده است که علیرغم انجام پژوهش‌ها و تحقیقاتی در زمینه‌های «نظریه انتخاب عقلانی، حضور روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» تاکنون هیچ‌کدام از آنها به‌صورت مستقل، این سیاست و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه و



بررسی قرار نداده است. برای روشن شدن پیشینه تحقیق به ذکر چند نمونه از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

فرهاد درویشی در مقاله‌ای با عنوان: «محیط امنیتی ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴» با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی به این نتیجه می‌رسد که درک سیاستمداران امنیتی از چگونگی محیط امنیتی خویش از مقتضیات اولیه تدوین سیاست‌های امنیتی از جانب آن‌ها است. به‌طور کلی محیط امنیتی کشورها را می‌توان در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار داد. نویسنده در این مقاله تلاش دارد تا محیط امنیتی ایران را در شرایط کنونی و به تفکیک در سطوح یادشده مورد بررسی قرار دهد. عساریان نژاد، حسین؛ ناد، حمیدرضا در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی، مطالعات دفاعی استراتژیک، تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۴۰» با بهره‌گیری از رویکرد اقتباسی-استنتاجی به دنبال ارائه مدلی برای درک عینی و به تعبیری مهندسی محیط امنیتی با بهره‌گیری از روش سنیکتیکس (از تکنیک‌های خلق ایده) و همچنین تبیین عناصر اصلی و محوری اثرگذار در محیط بودند. برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق یعنی اینکه شناخت و تحلیل محیط امنیتی بر چه پایه‌هایی استوار است، راهبردهایی همانند مهندسی محیط امنیتی، نقش گفتمان غالب و عامل محوری و ... برای شناخت و تحلیل این حوزه ارائه شد. حسین عساریان نژاد و محمدجواد علیزاده، در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌ها و چالش‌های محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، فصلنامه امنیت، سال یکم، شماره دوم، ۱۳۹۰» با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این نتیجه می‌رسند که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جایگاه بی‌بدیل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به‌ویژه در سطح منطقه‌ای دارا است. به همین سبب «تبیین» و «تشریح» واقع‌بینانه و علمی ویژگی‌های محیط امنیتی و آگاهی و شناخت دقیق از «داده‌هایی» که وارد سیستم محیط پیرامونی ایران می‌گردد، موجب می‌شود تا به این قابلیت و توانایی دست یابیم تا در مقابل تغییرات محیط امنیتی کشور، ضمن آمادگی مواجهه با آن‌ها، ابتکار عمل لازم را برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها یا حداقل تعدیل قابل توجه تهدیدات در دست داشته باشیم. اسدالله مرادی و امیر مسعود شهرام نیا در مقاله‌ی «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» با توجه به جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، در پی پاسخگویی به این پرسش است که بحران سوریه چه تأثیری



بر امنیت منطقه‌ای ایران خواهد داشت؟ در مقام پاسخ به پرسش یادشده فرضیه پژوهش این است که بحران سوریه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور و جایگاه آن در حلقه اصلی محور مقاومت می‌تواند باعث تضعیف ضریب امنیت منطقه‌ای ایران گردد. هدف اصلی نوشتار حاضر تجزیه و تحلیل امنیت منطقه‌ای ایران در پرتو تحولات سوریه است. حسین شیخ‌الا اسلامی و میثم بیکی در مقاله‌ای با عنوان: «واکاوی نقش‌آفرینی و سیاست‌های فدراسیون روسیه در قبال بحران سوریه» ضمن گذری بر بحران سوریه با این سؤال روبه‌رو می‌شود که از آغاز بحران سوریه تاکنون، فدراسیون روسیه چگونه با آن روبه‌رو شده است؟ پاسخ موقت به این سؤال به‌عنوان فرضیه احتمالی این است که فدراسیون روسیه به علت داشتن منافع مختلفی به‌ویژه منافع امنیتی و نظامی تلاش کرده است تا حد امکان با حمایت‌های سیاسی و بعضاً نظامی از سقوط دولت بشار اسد و افتادن حاکمیت سوریه به دست معارضان تحت حمایت محور غربی عربی جلوگیری کند.

در کتب و مقالات پژوهشی روسی توجهی ویژه به تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به نظام جدید روابط بین‌دولتی در خاورمیانه شده است. این موضوع در ارتباط با روابط متقابل مراکز قدرت منطقه‌ای و جهانی و نیز جریان‌ات پرشتاب قومی و ملی در سطح منطقه، راهبردهای روسیه، چالش‌های روسیه، اهمیت جمهوری اسلامی ایران در راهبرد روسیه، گسترش اسلام‌گرایی، طرفداری از سیستم چندقطبی، بحران سوریه مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگرانی مانند آ. زادوخین، کارل برونتسلف، ب. س. نیکلایویچ، ای. اس. ایوانف، س. او. لخانویچ، ایزویاگلسکی، ر. ت. موخایف، ا. ا. میخایلف، آ. پولیف، الکسی مالاشنکو، یکاترینا و غیره مسایل سوریه و منطقه خاورمیانه را بررسی کردند.

ب - مفهوم شناسی :

بحران سوریه: ریشه‌های بحران سوریه به اعتراضات گسترده که از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد، بازمی‌گردد. در واقع، جنگ داخلی کنونی در سوریه بر اساس شکاف‌های قومی این کشور شکل گرفته است. اگرچه این مبارزات زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی، شهری - روستایی و مرکز و حومه دارد، اما مذهب و وجه فرقه‌ای مهم‌ترین سنجه آرایش نیروها در مقابل یکدیگر است (نجات و جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰).



تعریف عملیاتی: پژوهش حاضر بر آن است تا بحران سوریه را در محورهای همچون حضور روسیه در سوریه، اهداف این حضور و تأثیر آن بر منافع ملی ایران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد:

الف) بحران سوریه: از حیث اهمیت راهبردی سوریه و دلایل بین‌المللی شدن این بحران با حضور روسیه و آمریکا

ب) اهداف حضور روسیه: مقابله با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو در منطقه، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی دینی، تلاش در جهت رشد و ارتقای نقش بین‌المللی خود، تلاش جهت شکل‌گیری سیستم چندقطبی

ج) تأثیر بحران سوریه: برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه، کاهش قدرت مانور محور مقاومت، شکاف قومی-مذهبی و کاهش نفوذ ایران در منطقه

روش‌شناسی

پژوهش حاضر دارای ماهیت تحقیق توصیفی - تحلیلی است. علاوه بر این با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و استفاده‌ای که می‌توان از نتایج حاصل برای بررسی نظریه انتخاب عقلانی، دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران داشت، این پژوهش از نوع کاربردی محسوب می‌شود. همچنین باید اذعان داشت نوع روش گردآوری اطلاعات تحقیق، روش تحقیق کیفی و از نوع مطالعات اسنادی باهدف دست یافتن به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط با دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران است. بنابراین جامعه آماری مورد بررسی، اسناد تحلیلی مرتبط به بحران سوریه است. درنهایت به‌منظور توصیف و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل متون استفاده‌شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین ریشه نظریه انتخاب عقلانی (که اختیار عاقلانه و گزینش معقولانه نیز نامیده شده است) از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک است. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را به‌عنوان جستجوگران منطقی که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند می‌شناسند. آدم اسمیت تقسیم‌کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است (Сморгунов, 2004.С.62-63). گرچه به عقیده بسیار از محققان و بخصوص محققان آمریکایی از جمله گرین در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ رویکرد انتخاب



عقلانی چندان نقش مهمی در عرصه اجتماعی و بخصوص عرصه سیاست نداشت (Грин, 1997.C 297-298). اما از اواخر دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰ این رویکرد گسترشی وسیع در علوم اجتماعی چه در آمریکا و چه در مکتب کشورهای اسکاندیناوی و در ژاپن پیدا کرده است و در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش دوره پست‌مدرن، رویکرد عقلانی نیز به توسعه خود ادامه داده است. به طوری که امروزه دارای نقش بسیار مهمی در عرصه علوم سیاسی است (Култыгин, 2004. - C. 27-37). به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از برجسته‌ترین پیشرفت‌های اخیر در علوم اجتماعی، ظهور «نظریه یا رویکرد انتخاب عقلانی» است. اصول و مبانی (آگزایوم) کنشگر عقلانی، پایه تقریباً تمام نظریه‌پردازی‌های مؤثر در علوم اجتماعی است (Udehn, L, 2001: 23). این در حالی است که این نظریه ابتدا از حوزه علم اقتصاد به حوزه علوم اجتماعی راه یافت و از دهه ۱۹۵۰ به‌عنوان بخشی از مطالعات آکادمیک سیاست پذیرفته شد و در سال‌های بعد از شهرت و جذابیت ویژه‌ای برخوردار شد (Walt, 1999:9). جذابیت نظریه انتخاب عقلانی (که علت گسترش آن نیز بوده است) اولین بار توسط جیمز کلمن^۱ تشریح شد. به نظر کلمن نظریه انتخاب عقلانی به‌عنوان اساس و پایه یک نظریه «جذابیت بی‌نظیری» دارد، زیرا مفهومی آن‌چنان کامل و کاربردی است که ما را از سؤالات بیشتر بی‌نیاز می‌گرداند (علی وردی نیا، ۱۳۹۲: ۲۵-۹). در این راستا بسیاری اعتقاد دارند نظریه انتخاب عقلانی، بازیگران سیاسی را به‌عنوان واحدهای تحلیلی در نظر می‌گیرد که رفتارهایشان را به شیوه عقلانی تنظیم می‌کنند. در این رهیافت، فرض بر این است که رفتار و تصمیمات بازیگران بر اساس شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری، ارزش‌ها انتظارات و امکانات مادی شکل می‌گیرد و بازیگران در قالب این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها درصدد به حداکثر رساندن سود خود هستند (Razi, 1988,p.689).^۲ به عبارت دیگر می‌توان گفت در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. به این معنی که این افراد آگاه و مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (Култыгин, 2007: 2-7). به عقیده لیتل «کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به حالات ممکنه و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به

1 - James Kelman



غایاتشان بهترین راه باشد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۳). کلمن نیز معتقد است در برخی موقعیت‌ها « استفاده از آن مفهوم از عقلانیت که در اقتصاد به کار می‌رود ضروری است؛ مفهومی که اساس کنشگر عقلانی را در نظریه اقتصادی تشکیل می‌دهد. این مفهوم بر پایه اندیشه کنش‌های مختلف یا در) بعضی موارد، کالاهای مختلف) استوار است که فایده معینی برای کنشگر دارد و همراه با یک اصل کنش است که می‌توان آن را این‌گونه بیان کرد که کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲). استفان فیشر^۱ به صورت خلاصه مفاهیم و مفروض‌های نظریه انتخاب عقلانی را چنین بیان می‌کند: (۱) هدف این نظریه تولید قواعد جهانی یا عمومی حاکم بر رفتار اجتماعی از طریق تعریف تعادل است. تعادل زمانی شکل می‌گیرد که هیچ‌کس تمایل به تغییر رفتار خود نداشته باشد. این تعادل وقتی است که افراد (نه گروه‌ها) نفع مورد انتظار خود را به حداکثر می‌رسانند. (۲) این نظریه، بر پایه فردگرایی روش‌شناختی است، نه فردگرایی وجود شناختی. یعنی انتخاب عقلانی، وجود گروه‌ها را انکار نمی‌کند بلکه ادعا می‌کند افرادند که عمل می‌کنند (فیشر، ۲۰۰۳: ۳). بنا بر تعاریف فوق، از رویکرد انتخاب عقلانی می‌توان این‌گونه بیان کرد که رویکرد انتخاب عقلانی مبتنی بر این فرض کلی است که « رفتار آدمیان، هدف‌دار و سنجیده است، آدمیان در چندراهی‌ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و بنابراین رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد. به‌علاوه در این نظریه اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد».

مفروضات نظریه انتخاب عقلانی و کنش سیاسی-نظامی: نظریه انتخاب عقلانی را بر اساس تقسیم‌بندی ریتزر از انگاره‌های جامعه‌شناختی، باید جزء انگاره تعریف اجتماعی دانست. ریتزر موضوع مطالعه انگاره تعریف اجتماعی را جهان ذهنی خرد و آن بخش از جهان عینی خرد که به فراگردهای ذهنی (یعنی کنش) می‌پردازد، می‌داند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴۵). بر اساس الگوی تلفیقی جفری الگزندر می‌توان جایگاه نظریه انتخاب عقلانی را در پیوستار کنش و نظم یافت. بر این اساس نظریه انتخاب عقلانی را باید نظریه بررسی کنش فردی دانست (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۰۶). حتی درجایی که کنش‌های جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بیش از آنکه به‌مانند نظریات کلان،



ساختارهای کلان و نهادهای اجتماعی واحد تحلیل واقع شود، کنش‌های جمعی به کنش‌های فردی تجزیه شده و کنش فردی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از بعد تقسیم‌بندی توافق - تضاد، انتخاب عقلانی را باید طرفدار توافق دانست. بنا بر پیش فرض اقتصاد کلاسیک که معتقد به عدم مداخله دولت در بازار و نظم خود به خودی که توسط سازوکارهای درونی بازار ایجاد می‌شود، نظریه انتخاب عقلانی جامعه را در وضعیت عادی خویش سرشار از توافق می‌داند. کرایب اشاره می‌کند: «ثبات و نظم را افرادی پدید می‌آورند که دست به انتخاب‌های عقلانی آزاد می‌زنند. در چنین حالتی ماهیت نظام یافته جامعه نتیجه آن چیزی تلقی می‌شود که آدام اسمیت آن را «دست نامرئی» نامیده است» (کرایب، ۱۳۹۰: ۹۰-۱). لذا بی دلیل نیست که این نظریه را ایدئولوژی نظریه انتخاب عقلانی می‌دانند. نظریه انتخاب عقلانی بر اساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است که ترنر در ساخت نظریه اجتماعی آن‌ها را به این شرح آورده است: **اول:** انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند. انسان‌ها سلاقی یا منافع خود را بر اساس اهمیت هر کدام از آن‌ها رتبه‌بندی می‌کنند؛ **دوم:** انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند؛ با رعایت موارد زیر: **اول:** منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار با رجوع به سلسله مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود. **دوم:** هزینه استفاده از هر روش برابر است با صرف نظر کردن از منافع سایر روش‌ها هزینه فرصت ازدست‌رفته. **سوم:** روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود. **چهارم:** پدیده‌های اجتماعی بیرونی مثل ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۸-۲). بنابراین با توجه به مفروضات نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت سیاست‌گذاری عقلانی درصدد دست‌یابی به حداکثر فایده اجتماعی است. یعنی حکومت‌ها یا رهبران سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که پیگیری آن حداکثر فایده و حداقل هزینه را برایشان در پی داشته باشد و هزینه بیشتر از فایده نباشد. نکته مهم اینکه دو راهنمای مهم در تعریف حداکثر فایده اجتماعی وجود دارد. **نخست،** هزینه هیچ سیاستی نباید از فایده آن بالاتر رود و **دوم** تصمیم گیران باید در میان بدیل‌های سیاسی، سیاستی را انتخاب کنند که بیشترین فایده را نسبت به هزینه در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، سیاست زمانی عقلانی است که تفاوت بین ارزش‌هایی که به دست می‌آید و ارزش‌هایی که قربانی می‌شود، مثبت و بیشتر از بدیل‌های دیگر باشد. هرچند که مفهوم عقلانیت و خردورزی چه در علوم سیاسی و یا چه در علوم دیگر مفهومی بحث‌برانگیز است اما عملی عقلانی



است که مثلاً یک شخص هیچ‌وقت X را انتخاب نمی‌کند اگر گزینه Y در دسترس او باشد که از نقطه نظر او بر X ترجیح دارد (Shveri, 1997: 37-46). بنابراین سیاست‌گذاران در گزینش سیاست عقلانی باید (۱) از تمام ترجیحات ارزشی جامعه و وزن نسبی آن‌ها مطلع باشند؛ (۲) تمام بدیل‌های سیاسی در دسترس را بدانند؛ (۳) در مورد نتایج هر یک از بدیل‌های سیاسی شناخت داشته باشند؛ (۴) میزان سود به هزینه هر یک از بدیل‌ها را محاسبه نمایند؛ (۵) مؤثرترین بدیل سیاسی را گزینش کنند و (۶) عقلانیت‌گرایی بر این فرض است که ترجیحات ارزشی جامعه را به‌طور کلی می‌توان شناخت و وزن هر یک را مشخص نمود.

بحران سوریه: در روزهای پایانی سال 2010 رهبران کشورهای تونس، لیبی و یمن یکی پس از دیگری سقوط کردند. پس‌لرزه‌های این اعتراضات در 26 ژانویه سال 2011 سوریه را نیز در بر گرفت. سوریه از سه ضلع موردتهاجم قرار گرفت: (۱) آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب؛ (۲) عربستان و کشورهای عربی؛ (۳) نیروهای داخلی مخالف اسد (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۸). این تهاجم سه‌جانبه سبب گستردگی و تداوم این بحران گردید و یکی از عوامل اصلی این گستردگی و تداوم بحران در سوریه جایگاه ویژه ژئوپلیتیک آن است. این امر باعث افزایش جایگاه منطقه‌ای و نقش بازیگری سوریه در تحولات منطقه از جمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش با اسرائیل، مسئله عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای شده است. بر همین اساس سوریه تاکنون عامل ثبات در منطقه محسوب می‌شده و برای ایفای این نقش ثبات‌آفرین در تحولات منطقه همواره در توجه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در واقع، ژئوپلیتیک سوریه به این کشور جایگاهی استراتژیک بخشیده است و آن را در نزد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بااهمیت نموده است. سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است. همچنین از طرفی دیگر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین نیز دنبال منافع استراتژیک و اقتصادی خود در منطقه هستند. از یک سو بحران سوریه را همچون تهدیدی برای منافع استراتژیک خود می‌نگرند و از سوی دیگر به‌عنوان فرصتی برای محکم کردن مواضع و گسترش نفوذ خود در منطقه، به تحولات سوریه چشم دوخته‌اند. در خصوص تبیین مسئله سوریه از لحاظ سطح بین‌المللی، نقش و اهداف دو قدرت بزرگ فرامنطقه‌ای حائز اهمیت است. ایالات متحده در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ اول حفظ امنیت اسرائیل و دوم نفوذ در محور مقاومت



در جهت مهار جمهوری اسلامی ایران. بر این مبنا، از دیدگاه غرب و به‌ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به‌سوی جریان محافظه‌کار تغییر یابد به‌نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به‌ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم بشود (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵). اما بر عکس آمریکا، سقوط نظام سیاسی سوریه برای رهبران کرملین به مفهوم از دست دادن آخرین حلقه از متحدان پر و پا قرص روسیه در خاورمیانه است و این به معنای ورود ناتو به حیات خلوت منافع روس‌ها و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه و درنهایت ناکامی در تحقق مبانی سند دکترین امنیت ملی روسیه است. بنابراین مسئله مهم برای روسیه در قبال بحران سوریه نه شخص بشار اسد بلکه نظام سیاسی سوریه است (همان، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵). لذا حضور روسیه در بحران سوریه در جهت برقراری دو نوع موازنه قوا در منطقه قابل ارزیابی است. روسیه از یک‌سو تلاش دارد تا در برابر قدرت یکه‌تازی آمریکا نوعی موازنه قوا از طریق تشکیل نظام چندقطبی ایجاد کند که این سیاست را از دو مسیر پی‌گیری می‌کند: (الف) روسیه تلاش دارد تا کشورهای چین، برزیل و هند به‌عنوان طرفداران نظام چندقطبی را با خود همراه سازد. کشورهای که خود به‌تنهایی ۲۶ درصد از قلمرو جهان را تشکیل می‌دهند که ۴۵٪ جمعیت جهان و ۱/۴ منابع و ثروت طبیعی را در اختیار دارند. این گروه شامل دو کشور پرجمعیت جهان (چین و هند) است. دولت‌های این گروه درصدد هستند تا یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی بین‌المللی تشکیل دهند. (Брутенц, 2014:600)؛ (ب) روسیه تلاش می‌کند از طریق حضور فعال و تأثیرگذار بر تحولات منطقه‌ای و جهانی نوعی موازنه قوا را در برابر غرب و ناتو ایجاد کند، لذا حضور در سوریه در جهت نوعی تعادل بخشی و موازنه سازی با غرب است و از سوی دیگر در تلاش است تا با اتخاذ سیاست‌های متعدد در خاورمیانه میان سه نوع الگو و مدل اسلامی یا به‌عبارت‌دیگر سه کشور ایران، عربستان و ترکیه نوعی توازن و تعادل به وجود آورد.

عوامل مؤثر در محاسبات رهبران روس برای آغاز جنگ: تلاش جهت شکل‌گیری نظام چندقطبی: دولت روسیه از سال ۱۹۹۶ یعنی زمان پریماکوف دائماً تأکید کرده است که نظام تک‌قطبی را قبول ندارد و نظام بین‌الملل باید چندقطبی باشد، پارادایم جدیدی را در سیاست خارجی خود بر اساس ایده رهبری یک ائتلاف چندقطبی متشکل از قدرت‌های همفکر و هم‌خط به‌منظور مبارزه با چیزی که به‌عنوان نظم تک‌قطبی بین‌المللی دیده می‌شد، توسعه داده است. امروزه با وجود چندین



قدرت بزرگ از جمله چین، هند، اتحادیه اروپا، برزیل و روسیه که سهم فزاینده‌ای در تولید ناخالص داخلی جهانی به دست آورده‌اند، ایده نظام چندقطبی روسیه بیش از همیشه به واقعیت نزدیک شده است. کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) به سرعت در حال گسترش نفوذ جهانی اقتصادی و سیاسی خود هستند. این گروه در حال حاضر از موضع‌گیری سفت و سخت در برابر نظام حاکم جهانی خودداری کرده است و تلاش دارد با به‌کارگیری توانمندی‌های عظیم خود در حوزه قدرت نرم، به تدریج در حوزه‌های سخت نیز اهمیت خود را گسترش دهند. ایجاد ساختارها و نهادهایی مشابه با نهادهای بین‌المللی غربی از جمله بانک توسعه زیرساخت‌های آسیا، بانک بریکس و نهادهای مشابه همگی تلاش‌های این گروه از کشورها برای تغییر در شرایط رهبری جهانی و افزایش سهم در حکمرانی جهانی هستند. مجموعه کشورهای بریکس با دارا بودن سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی جهان، رشد اقتصادی مناسب و ذخایر ارزی قابل توجه، پتانسیل صنعتی بالا و ایجاد نهادهای زیرساختی، بدون شک نقشی مهم در آینده جهان ایفا خواهند کرد و آن‌ها را باید از بلوک‌های جدید قدرت در مناسبات جهانی و تعیین روندهای کلی آتی جهان قلمداد کرد. روسیه در هدایت سیاسی این گروه نقش ویژه‌ای دارد و فعالیت‌های گسترده این کشور در سازمان همکاری شانگهای نیز مؤید این موضوع است که روسیه تلاش دارد با عامل همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در جهت تغییر نظم تک‌قطبی کنونی جهان به یک نظام چندقطبی مبتنی بر قدرت نرم حرکت کند (Juardo, 2016: 6-7). شکل‌گیری نظام چندقطبی حاوی دستاوردهایی است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: باعث عرضه کردن خود به روابط بین‌المللی در همه قاره نه فقط در قاره اروپا و آمریکا بلکه در آسیا و آفریقا می‌شود؛ رشد شخصیتی روسیه در روابط بین‌الملل را به دنبال دارد، باعث ایجاد تعادل و توازن قدرت در نظام بین‌المللی می‌گردد و سبب ارتقاء جایگاه روسیه در حد یک قدرت جهانی با منافع جهانی می‌شود. لذا روس‌ها اعتقاد دارند ساختار نظام بین‌المللی چندقطبی به شدت به اقدامات نظامی وابسته است و تنها آمریکا، ناتو و برخی کشورهای غربی دست به اقدامات نظامی می‌زنند و کاملاً تک‌قطبی است. اما امروز روسیه می‌تواند وارد صحنه شده و اولین قدرت غیر آمریکایی و اروپایی باشد که وارد یک اقدام نظامی جدی در خارج از قلمروی خود شود. لذا محاسبات عقلانی رهبران روسیه را به این نتیجه رساند که بایستی وارد عمل شده و خود را به‌عنوان یک قدرت بین‌المللی مطرح کند. در چهارچوب رویکرد انتخاب عقلانی فرض اساسی در پیش‌بینی مداخلات



در این است که این رفتارها، رویه‌های منظم و معقول دارد. با شناخت این رویه‌ها و معقولیت‌ها می‌توان بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی به تحلیلی از اقدامات و سیاست‌ها دست یافت. پیش‌بینی روشنی از نزاع‌های و جنگ‌ها ارائه داد. بر پایه این نظریه، مشارکت کشورها در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل آگاهی‌های آن‌ها است. بنابراین رویکرد انتخاب عقلانی اعتقاد دارد کشورها را می‌توان نسبت به مشارکت در اقدام جمعی (از نوع مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز) اقناع کرد. اگر آن‌ها این حقیقت را درک کنند که مشارکتشان در این اقدام منافع کشور خود را به دنبال دارد (انگیزه‌های گزینشی) و یا اینکه اگر بفهمند که سهم ایشان در این اقدام جمعی بالاخره تفاوتی در نتیجه نهایی بیار می‌آورد (به‌عنوان مثال در تحقق منافع جمعی مؤثر است) اقدام به فعالیت می‌کنند. لذا روس‌ها بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی و با توجه به درک آگاهی‌های که از خلال تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده بودند اقدام به حضور در سوریه و برعلیه گروه داعش را تأمین‌کننده منافع خود و دستاورد این حضور را بیشتر از ضرر آن می‌دانند. این مسئله خود توجیه‌کننده این مفروض رویکرد انتخاب عقلانی است که روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود. به‌گونه‌ای که جهان را در راستای شکل‌گیری نظام چندقطبی تقویت خواهد نمود.

تلاش در جهت رشد و ارتقای نقش بین‌المللی: روسیه پس از فروپاشی شوروی تلاش‌های فراوانی را در زمینه‌های مختلف به‌منظور احیای جایگاه تاریخی این کشور انجام داده است. مجموعه این تلاش‌ها سبب شده است این کشور از جنبه‌های مختلف وزن بسیار زیادی در معادلات جهانی داشته باشد. روسیه به‌طور خاص نظام کنونی حاکم بر مناسبات جهانی را پذیرفته است اما درعین‌حال به دنبال تغییر نظم موجود و ایجاد یک نظم جدید که در آن این کشور جایگاهی متناسب با توانمندی‌هایش دارد نیز هست. تلاش‌های روسیه برای ارتقای موقعیت خود و نتایج آن را می‌توان در این چهار حوزه دانست. نخست، از زاویه امنیت و صلح بین‌الملل، روسیه دارای کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است. حق وتوی این کشور در موارد بسیاری مانعی در برابر اقدامات یک‌جانبه کشورهای غربی در موقعیت‌های بسیار زیادی از جمله سوریه بوده است که تأثیرات عمیقی بر نظم نظام بین‌الملل به‌خصوص در اروپا داشته است. دوم، روسیه توانسته است با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و دقیق به یک بازیگر حیاتی در بازار جهانی انرژی تبدیل شود. این کشور دارای 6.87 درصد تمامی ذخایر نفت و 17.4 ذخایر گاز اثبات‌شده دنیا است و در



بسیاری از زمینه‌های صنعتی و فنی جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد. دانشمندان و متخصصان این کشور نقش بسزایی در پیشبرد علوم مختلف ایفا کرده‌اند و در موارد متعدد نیز موفق به دریافت برجسته‌ترین جوایز علمی رشته‌های مختلف شده‌اند. این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی و دومین تولیدکننده بزرگ نفت دنیا است. تمامی این‌ها باعث می‌شود روسیه در حوزه انرژی جایگاه ممتازی در دنیا داشته باشد. سوم، روسیه از لحاظ میزان هزینه‌های نظامی جایگاه سوم و دومین صادرکننده بزرگ تسلیحات است. صادرات تسلیحات 4.2 درصد کل تولید ناخالص داخلی روسیه و تقریباً 4.5 درصد کل هزینه‌های نظامی جهان را تشکیل می‌دهد. بودجه نظامی کرملین نسبت به سال ۲۰۰۷ بیش از ۹۷ درصد افزایش یافته است و ارتش این کشور به شدت نوسازی شده است. این کشور دارای ۱۷۸۰ کلاهک هسته‌ای است و قدرت نظامی و تسلیحاتی آن نیز به شکل روزافزون در حال افزایش است (SIPRI, 2017). چهارم، تلاش روسیه برای ایجاد یک نظام غیر غربی حاکمیت بین‌المللی از طریق فعالیت‌هایی مانند تشکیل گروه بریکس^۱، مشارکت فعال در سازمان همکاری شانگهای^۲ و ایجاد اتحادیه همکاری اوراسیا^۳ آشکار است. این کشور اخیراً سومین جایگاه را از نظر ارزش سرمایه در بانک توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری آسیا که تحت نظر چین قرار دارد به دست آورد (Dobbs, 2016: ۳-۱).

مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی دینی: از دیدگاه ژئوپلیتیک، فدراسیون روسیه خود را از سمت جنوب در محاصره کمربندی سبز می‌بیند که از کشورهای اسلامی تشکیل شده است. این کمربند که در چهار لایه به دور روسیه کشیده شده است از جنبه پتانسیل بی‌ثبات‌سازی و ضربه زدن به تمامیت ارضی روسیه مورد توجه این کشور است. دو تهدید عمده تجزیه‌طلبی و تروریسم، که با عامل دیگری به نام افراط‌گرایی مذهبی پیوند خورده‌اند برای روسیه عواملی بحران‌زا به شمار می‌روند از این رو مبارزه با تروریسم و نیاز به تثبیت و برقراری آرامش در مرزهای روسیه به بخش جدایی‌ناپذیری از سیاست‌ها و تلاش‌های سیاسی این کشور تبدیل شده است. قفقاز شمالی شامل چین، داغستان و جمهوری‌های اینگوش در روسیه به‌عنوان مناطق دارای مشکلات تروریستی و امنیتی شناخته می‌شوند. اکثریت جمعیت مسلمان روسیه ساکن قفقاز هستند؛ در این مناطق رادیکالیسم اسلامی به صورت یک مسئله بسیار جدی درآمده است و سراسر روسیه و بسیاری

¹- BRICS: Brazil, Russia, India, China and South Africa.

²-The Shanghai Cooperation Organization (SCO)

³-Eurasian Economic Union



دیگر از مناطق جهان از گزند آسیب و خشونت آن در امان نمانده‌اند. برخی از مهم‌ترین تروریست‌هایی که ریشه در قفقاز داشته‌اند عبارت‌اند از: عاملان بمب‌گذاری در مسابقه دو ماراتن بوستون (۲۰۱۳) و حمله به فرودگاه استانبول در ۲۸ ژوئن؛ برخی گروه‌های به اصطلاح جهادی حاضر در بحران سوریه از جمله جیش المهاجرین و الانصار توسط شبه‌نظامیان چچنی تشکیل شده‌اند؛ از سوی دیگر جذب نیرو توسط داعش از قفقاز شمالی به یک نگرانی امنیتی جدی برای روسیه تبدیل شده است. تلاش چندین نفر از ساکنان مسکو برای پیوستن به گروه داعش نشان می‌دهد رادیکالیسم اسلامی تنها به جمهوری‌های جنوبی روسیه محدود نمانده است. تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی یک تهدید امنیتی عظیم برای روسیه به شمار می‌رود و مداخله این کشور در سوریه نیز به واسطه نیاز به نابود کردن گروه داعش و از بین بردن تهدید آن برای امنیت ملی روسیه توجیه شده است (Mazurova, 2016: 4-5). ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه مواضع بسیار سخت و غیرقابل انعطافی در مواجهه با تروریسم اتخاذ کرده است. با ظهور داعش نیز تمهیدات امنیتی روسیه به شکل قابل‌ملاحظه‌ای تشدید شده است و از روش‌های مختلفی از جمله جمع‌آوری نمونه DNA، تقویت نیروهای پلیس، کنترل رفت‌وآمد عناصر افراطی در مساجد مسلمانان و سرکوب آن‌ها برای پیشگیری از تقویت افراط‌گرایی دینی و حرکت کشور به سمت ناامنی و بی‌ثباتی استفاده شده است. بارزترین نمونه این اقدامات تصویب قانون موسوم به «یاروویا»^۱ است که شامل افزایش اختیارات اداره امنیت فدرال^۲ روسیه در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، محکومیت جنائی مأموران امنیتی در صورت ناتوانی در کشف و گزارش اقدامات خرابکارانه و احکام زندان سنگین‌تر برای عاملان اقدامات افراط‌گرایانه و شرکت‌کنندگان در شورش‌های عمومی اشاره کرد. البته رویکرد سخت‌گیرانه و قاطعانه روسیه در برابر تروریسم و افراط‌گرایی نتایج مثبتی به دنبال داشته است. اداره فدرال امنیت روسیه اعلام کرده است از سال ۲۰۱۴ تعداد حملات تروریستی در قفقاز شمالی هرسال به نصف کاهش یافته است. باین‌حال الکساندر بورتنیکیف رئیس اداره اطلاعات فدرال روسیه هشدار داد هرچند تعداد حملات تروریستی در روسیه کاهش یافته است اما به‌طورکلی جذب نیرو در سازمان‌های تروریستی بین‌المللی به‌صورت پیوسته افزایش داشته است (http://bit.ly/2aQMZWj). گروه صوفان^۳ یک

^۱ - Yarovaya Law

^۲ - Federal Security Service (FSB),

^۳ - The Soufan Group



سازمان فعال در امور امنیتی اعلام کرده است تعداد کسانی که از روسیه و آسیای مرکزی به عضویت داعش درآمده‌اند از سال ۲۰۱۴ سیصد درصد افزایش یافته است. هرچند دولت روسیه منکر این قضیه است، اما افزایش تعداد افرادی که به عضویت داعش درمی‌آیند می‌تواند به‌طور مستقیم نتیجه فشار و سرکوب عناصر افراط‌گرا درون قلمروی این کشور باشد (Tsvetkova, 2016: 6-2). لذا حضور نظامی در سوریه به رهبری روسیه با وجود خطرات فراوانی که همراه دارد، منعکس‌کننده هراسی است که روس‌ها نسبت به منافع حیاتی خود احساس می‌کند. جلوگیری از سرایت اندیشه‌های افراط‌گرایانه در کشور (با توجه به جمعیت قابل‌توجه مسلمانانی که در روسیه زندگی می‌کنند) از دیدگاه روس‌ها مهم‌ترین عامل تهدیدکننده منافع خود است. از طرف دیگر و نیز گسترش افراط‌گرایی دینی به منطقه آسیای میانه، از جمله عوامل تقویت‌کننده حضور روسیه در سوریه بوده است. علاوه بر جمعیت قابل‌توجه مسلمانان در روسیه که روزبه‌روز در حال افزایش است خلاً قدرتی که پس از فروپاشی شوروی به وجود آمد زمینه‌ای برای گسترش تمایلات ملی‌گرایانه و قوم‌گرایانه فراهم کرد که خود پایه و اساسی برای شعله‌ور شدن ناراضی‌های ریشه‌دار و آغاز حرکت‌های جدایی‌طلبانه شد. در مناطق مسلمان‌نشین پیوند خوردن این عامل با افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم، ترکیب عجیب و پیچیده‌ای را به وجود آورده است که به‌طور خاص تمامیت ارضی فدراسیون روسیه را تهدید می‌کند. بنابراین ترکیب تجزیه‌طلبی قومی با اسلام افراطی و تروریسم، تاکنون در دسرهای زیادی را برای مسکو به همراه داشته است. به‌هرحال از دید سیاستمداران روسی رشد گروه‌های تکفیری و هابی متأثر از تحولات افغانستان و بیداری اسلامی در جنوب غرب آسیا مهم‌ترین تهدید کنونی برای کشورهای آسیای میانه به حساب می‌آید (Kazanцев, 2014: 3-7). این تهدید زمانی بسیار وحشت‌آفرین می‌شود که تماس جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد شوروی و هر یک از سازمان‌های مسلمان با دنیای اسلام افزایش یافته و متقابلاً کشورهای مسلمان نیز فرصت یابند تا با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این مسئله خود محاسبه سود و فایده حضور در سوریه را از دیدگاه رویکرد عقلانی منعکس می‌کند. چراکه می‌توان گفت سیاست‌گذاری عقلانی درصدد دستیابی به حداکثر فایده اجتماعی است. یعنی حکومت‌ها یا رهبران، سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که پیگیری آنها حداکثر فایده و حداقل هزینه را برایشان در پی داشته باشد و هزینه بیشتر از فایده نباشد. نکته مهم اینکه، دو راهنمای مهم در تعریف حداکثر فایده اجتماعی وجود دارد. نخست، هزینه هیچ سیاستی نباید از فایده آن بالاتر رود و دوم، تصمیم



گیران باید در میان بدیل‌های سیاسی، سیاستی را انتخاب کنند که بیشترین فایده را نسبت به هزینه در پی داشته باشد. لذا ترس روسیه از گسترش نفوذ افراط‌گرایی به حیات خلوت خود و به داخل مرزهای این کشور و شرایط متناسب منطقه برای پذیرش این افراط‌گرایی بزرگ‌ترین تهدید و به تبع آن بیشترین ضرر برای روسیه تلقی می‌شود. لذا سرکوب این جنبش در داخل سوریه راه را برای گسترش افراط‌گرایی در خارج از آن می‌بندد که خود بیشترین فایده و سود برای روسیه در پی خواهد داشت. لذا در تحلیل این اصل بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی می‌توان گفت: نزاع و جنگ زمانی اتفاق می‌افتد که بر اساس تخمین طرفین درگیر در جنگ، سود مورد انتظار از جنگ از هزینه آن بیشتر باشد. لذا عامل تحقق این فرایند برای روس‌ها مبتنی بر این اصل است که از میان بدیل‌های سیاسی، سیاستی را انتخاب کند که بیشترین فایده را نسبت به هزینه در پی داشته باشد لذا از دیدگاه سیاستمداران روسیه وارد شدن به جنگ با داعش هم دربردارنده بیشترین سود است چراکه خطرات تهدیدکننده منافع ملی را دفع می‌کند و هم بهترین بدیل در میان بدیل‌های موجود برای روسیه است. یا به عبارت دیگر در تفسیر این مسئله می‌توان به یکی از اصول رویکرد انتخاب عقلانی از دیدگاه استفان والت مبنی بر اینکه «اولویت‌های بازیگران تابع محدودیت‌های مشخصی است و باید اولویت‌ها را بر اساس نتایجی که در بر خواهند داشت طبقه‌بندی کرد» استناد نمود (Walt, 1999: 9). یعنی بر طبق رویکرد انتخاب عقلانی علاوه بر جلوگیری از سرایت اندیشه‌های افراط‌گرایانه دینی، داشتن انگیزه‌های قوی ضد تروریستی برای حضور در سوریه و انگیزه‌های اقتصادی و نظامی نیز می‌توان افزود. متناسب با این اهداف از لحاظ نظامی، روسیه اخیراً طرحی برای گسترش عظیم ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی این کشور اعلام کرد که بر اساس آن بیش از هشتاد فروند کشتی جدید تا سال ۲۰۲۰ به این ناوگان اضافه می‌شوند و بر اساس این طرح قرار است یک پایگاه نظامی دریایی نیز ساخته شود و به این ترتیب تنها پایگاه دریایی خارجی روسیه در شهر ساحلی تارتوس سوریه یک مسیر ارتباطی حیاتی برای دسترسی به آب‌های آزاد محسوب می‌شود (Cohen, 2016: 13).

با وجود آنکه روس‌ها در کنترل جدایی طلبان چچن از راه قطع مسیر حمایت مالی و سیاسی از خاورمیانه و شمال آفریقا موفق بوده اند؛ اما مسکو همواره اعلام کرده است که تروریسم تنها مشکل روسیه نیست. بنابراین این کشور مسئله چچن را با تروریسم بین‌المللی پیوند می‌زند. در واقع، یکی از مهمترین دلایل حمایت روسیه از اسد ریشه در نگرانی عمیق این کشور از گسترش



اسلام سلفی - وهابی به جمهوری های اتحاد شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی و جمهوری های مسلمان نشین این کشور دارد (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۳، ۱۸۷).

مقابله با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو در منطقه: دخالت روسیه در سوریه این اجازه را به روسیه داد تا وارد صحنه سیاست جهانی شد. در شرایط بحران جهانی و بحران در روابط روسیه و غرب این مسئله ضرورت پیدا کرد که روسیه با داعش در این منطقه مبارزه کند که می‌تواند امنیت روسیه و حتی کشورهای غربی را مختل کند. در وهله دوم نوعی عکس‌العمل روسیه بود به بحران اوکراین (Екатерина, 2016:2-5)؛ روس‌ها بعد از انگلیسی‌ها امپراتوری‌های قرن ۲۰ میلادی هستند که با خارج شدن از گروه امپراتورهای حاکم خواهان حفظ اقتدار خود در باشگاه قدرت‌های بین‌المللی هستند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی سوسیالیستی هرچند در نظام بین‌الملل مسکو نقش ابرقدرتی خود را به خاطر درگیری در مشکلات اقتصادی تا حدودی از دست داد، اما همچنان وارث تسلیحات اتمی شوروی و نیز نفوذ ساختاری حکومت کمونیست‌ها بر بلوک شرق و به تبع آن تأثیرگذار در نظام بین‌الملل بوده است. از دیدگاه مسکو به همین دلیل است که دولت‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی‌ها خواستار روسیه‌ای هستند که در مرزهای خود محدود شود؛ بنابراین هرگونه گسترش ناتو به سوی شرق و آسیای میانه به تبع آن به سوی روسیه به زیان این کشور تمام خواهد شد. دوم، هرچند روسیه پس از فروپاشی شوروی به دلیل غلبه دیدگاه یوروآتلانتیکی در دوره یلتسین به سمت غرب گرایش پیدا نمود، اما از سال ۱۹۹۶ و به مدیریت پریماکوف (نخست‌وزیر وقت روسیه)، سیاست نگاه به شرق در دستور کار روسیه قرار گرفت. در همین راستا، روسیه، توجه ویژه‌ای به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نمود و از آن به‌عنوان حوزه سنتی نفوذ روسیه و یا «خارج نزدیک»^۱ یادکرد. «مطابق دکترین خارج نزدیک، منطقه آسیای مرکزی در موقعیتی رفیع در سلسله اولویت‌های سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. مطابق این دکترین، روسیه دارای منافع اقتصادی و امنیتی ویژه‌ای در این منطقه است که دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ناچار به پذیرش آن می‌باشند» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). از این‌رو از نگاه کرملین، کشورهای این منطقه قلمرو اعمال دکترین مونروئه روسی بوده و خارج قلمداد نمی‌شوند. رفتار کرملین طی پانزده سال گذشته نسبت به مناطق مجاور (دریای سیاه، قفقاز جنوبی، خزر و آسیای مرکزی) و کوشش برای محدود کردن حضور، نفوذ و مشارکت سایر کشورهای



^۱ - Near Abroad

قدرتمند مانند اتحادیه اروپا، ترکیه و چین نیز از این واقعیت حکایت دارد که مسکو، تنها ساختارها و ترتیباتی را می‌پذیرد که محور آن روسیه باشد» (کرمی، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶). در این راستا روسیه با بهره‌گیری از اهرم‌های گوناگون برای حفظ ثبات و آرامش در جمهوری‌های مستقل و جلوگیری از توسعه نفوذ قدرت‌های بیگانه در این مناطق اصرار دارد بر ضرورت حفظ پیوندهای همه‌جانبه تأکید کرده است و ایجاد و تحکیم شبکه‌های جدیدی از ارتباطات متقابل میان جمهوری‌ها را در اولویت قرار داده است (kozyrov, 1994: 11). لذا روس‌ها طرح مشارکت برای صلح و گسترش ناتو به شرق را در جهت شکل‌گیری «صلحی سرد»، «ایجاد صف‌بندی جدید در اروپا» و تلاش برای «منزوی کردن روسیه»، توصیف کرد. ناتو در حوزه اقتداری سابق روسیه شوروی نفوذ می‌کند و روسیه با آگاهی از این معنا در این ارتباط حساسیت‌های خاصی را به نمایش می‌گذارد. لذا گسترش ناتو باعث شده تا روسیه نگران انزوا و در حاشیه قرار گرفتن خود باشد. ارتش و نیروهای نظامی به‌شدت با توسعه ناتو در هر شکل و عنوان مخالفت کنند و مرزهای روسیه را با آن دچار تهدیدات جدی بدانند. نخبگان روسیه گسترش ناتو را باعث پیدایش شرایطی می‌دانند که برای روسیه به‌عنوان یک قدرت برتر و پرنفوذ جایی باقی نخواهد گذاشت. لذا حضور روسیه واکنشی به گسترش ناتو به شرق و مناطق حیات خلوت این کشور قلمداد می‌شود. بدین گونه که در تحلیل این اقدام روسیه در چارچوب رویکرد عقلانی مبتنی بر این اصل است که «بر این اساس معیار مطلوبیت یک عمل و ترجیح آن بر سایر اعمال همیشه دستاورد نیست و ممکن است عناصری غیر از مسائل مالی باشد. این نظریه بر این فرض‌ها مبتنی است که: (۱) هر فرد مجموعه‌ای منظم و رتبه‌بندی شده از اهداف دارد؛ (۲) در هر موقعیتی چندراه پیش پای فرد قرار دارد؛ (۳) هرکدام از این راه‌ها پیامدهایی را به دنبال دارند که میزان مثبت یا منفی بودن این پیامدها در برآورده ساختن اهداف مدنظر فرد است. در نتیجه فرد برحسب پیامدی که برای هر راه وجود دارد راهی را برمی‌گزیند که بهترین پیامد را برای فرد در پی داشته باشد لذا با توجه به پیامدها باید مؤثرترین بدیل ممکن را گزینش کنند». از دیدگاه رویکرد عقلانی با توجه به نفوذ ناتو در منطقه چند گزینه در مقابل روسیه وجود دارد یا اینکه به عواقب این گسترش تن دردهد که روزه‌روز عرصه را بر روسیه محدود می‌کند، باعث تضعیف موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه شود یا روسیه سیاست انزواطلبی را در پیش بگیرد و کلا سیاست بی‌تفاوتی در امور منطقه‌ای و بین‌المللی لحاظ نماید، یا یک بدیل قانع‌کننده و یک واکنش موجه جهت تنویر افکار عمومی خود



به کار گیرد که روسیه گزینه سوم را انتخاب نموده است و به بحران سوریه وارد شد. این حضور خود نوعی واکنش به هژمونی آمریکایی و واکنش به گسترش ناتو و تهدید منافع روسیه است.

بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: با ورود به عرصه جهانی شدن طی دهه‌های اخیر، امنیت بین‌الملل تدریجاً مفهوم وستفالیایی خود را از دست داده است و مفهومی پسا وستفالیایی جایگزین آن شده است. تقریباً تا پایان جنگ سرد، دیدگاه سنتی و تقلیل‌گرایی رئالیستی، دیدگاه غالب تعریف‌کننده‌ی امنیت بین‌الملل بود، اما با پایان جنگ سرد و تشدید فزاینده جهانی‌شدن، ارزش‌های امنیتی نیز پیچیده و متکثر گشته‌اند. در دیدگاه جدید، بازیگران فرو ملی و فراملی نیز منشأ تهدیدات هستند. در مقصد تهدیدات نه صرفاً دولت‌ها بلکه بازیگران غیردولتی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. در این وضعیت، امنیت بازیگران چنان به یکدیگر گره خورده است که اصطلاحاتی چون امنیت جهانی یا امنیت بشری به جای امنیت بین‌الملل استفاده می‌شوند. حتی امنیت محیط‌زیست نیز حائز اهمیت است. ماهیت تهدیدات نه تنها نظامی بلکه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست‌محیطی است (دومینیک، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۰). با توجه به این ویژگی امنیتی اکنون می‌توان گفت بحران در هر نقطه از جهان متقابلاً باعث تأثیرپذیری امنیت ملی ایران از آن خواهد شد به خصوص اگر این بحران در کشور همسایه و متحد استراتژیک ایران یعنی سوریه باشد. بنابراین می‌توان گفت با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران امنیت خود را در قالب تعاریف موسع امنیت تعقیب می‌کند، طبیعتاً هرگونه تغییر و تحول در سطوح منطقه‌ای یا بین‌المللی، در ابعاد مختلف امنیت کشور ما آثاری بر جای می‌گذارد. هیچ نظام پایدار و متعادل منطقه‌ای بدون ایجاد وابستگی متقابل در زمینه‌های مختلف بین بازیگران اصلی دوام نمی‌یابد. منطق استدلال فوق این است که در صورت بروز هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی در سطح منطقه، کلیه بازیگران اعم از منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای متحمل هزینه‌های فراوانی می‌شوند (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

به طور کلی، ماهیت فعالیت‌های ایران و روسیه را در دو بعد سیاسی و نظامی در خصوص تحولات سوریه باید در این جمله خلاصه کرد که مسکو و تهران تلاش دارند با باطل کردن طرح آمریکا در منطقه چهره سیاسی و نظامی جهان را تغییر و معادله جدیدی را ارائه دهند که در آن موازنه قوا بر اساس شکل و هیئت جدید عرصه بین‌المللی شکل گرفته است (نجات، ۱۳۹۶: ۴۸).

اما از تابستان سال گذشته و با ورود روسیه به صحنه سوریه فصل جدیدی در سیاست خارجی ایران باز شد که تفاوت‌های کمی و کیفی با دیگر سال‌های پس از انقلاب داشت. این حضور که



در بسیاری از محافل سیاسی داخلی با تردید و شکاکیت های تاریخی همراه بود با افت و خیزها و متعادل کردن خود در ظرف یک سال گذشته به یکی از تاریخی ترین مقاطع خود در ۲۵ مرداد ۹۵ رسید.

به هر صورت بکارگیری پایگاه هوایی نوژه از دید صاحب نظران واجد اهمیت های زیر بود:
 (۱) کاهش فاصله اهداف نظامی در سوریه از ۲۱۵۰ کیلومتر به حدود ۹۰۰ کیلومتر و در نتیجه عملیات بیشتر با هزینه کمتر امکان پذیر است.

(۲) مناسب بودن باندهای فرودگاه نوژه به نسبت پادگان لاذقیه برای بکارگیری هواپیمای بمب افکن های جدید روسیه. به مفهوم دیگر ارزیابی گسترش دسترسی روسیه در منطقه خاورمیانه اگرچه در کوتاه مدت می تواند استراتژیک تلقی نشود اما در درازمدت یک تحول استراتژیک در سطح امنیت جهانی است.

(۳) افزایش بکارگیری وجوه مختلف از قدرت نظامی روسیه از جمله آزمایش تسلیحات نوین شرایط درک متقابل جدیدی بین روسیه و آمریکا بوجود آورد که نمی توان از تبعات سود آور آن غافل بود.

(۴) اگرچه توافق و تفاهم و یا اطلاع رسانی روسها به آمریکایی ها در این مورد مسئله ای حاشیه ای محسوب می گردد اما خود این امر کمک کرد که معادله ای سه جانبه برای اقدامات منطقه ای در محاسبات قرار گیرد.

در یک جمع بندی ایران وارد یک مرحله اساسی و نوین در سیاست خارجی و یا بهتر حیات سیاسی خود شد اما با تردید و اما و اگر (Weir, 2015:5-9)

سال ۲۰۱۵ یک سال مهم در روابط روسی-ایرانی بود. اگرچه هر دو حکومت مدت هاست که در مقابل با یکدیگر ارزش های استراتژیکی را بازشناخته اند، اما عوامل بازدارنده معناداری روابط دو جانبه را محدود نگه داشته بود تغییر محیط ژئوپلیتیکی، فرصتی بی سابقه را در اختیار دو طرف قرار داد تا منافع ملموسی را دوباره از این همکاری بازبایند. البته دخالت نظامی مسکو در سوریه که نیروهای ایرانی حامی اصلی اسد هستند، نشان می دهد که نخستین همکاری نظامی میان ایران و روسیه در حال انجام است (Katz, 2015)

به طور کلی واقع گرایان منافع مشترک را نقطه عزیمت تحلیل خود از شکل گیری ائتلاف ایران و روسیه در مسائل خاورمیانه قرار می دهند و معتقدند که اشتراک در منافع میان دولت ها که مقابله با



تهدید را نیز در بر می گیرد به ائتلاف شکل می دهد و با تضعیف و از میان رفتن این اشتراکات، ائتلاف ها نیز تضعیف شده یا از بین می روند. به دیگر سخن ائتلاف ها پدیده هایی موقتی اند. از این منظر، بنیان ائتلاف ایران و روسیه حفظ نظام سیاسی مستقر در سوریه و از بین بردن داعش است و تا زمانی که این اشتراک تداوم داشته باشد، ائتلاف نیز تداوم خواهد یافت. از دیگر سو اگر سیاست های هر یک از دو کشور نسبت به این دو موضوع تغییر کند، یا این که جنگ داخلی سوریه به سود نظام سیاسی این کشور حل و فصل شود ائتلاف دچار فروپاشی خواهد شد (On the Outcomes of the First Meeting, 2015:1).

اهمیت راهبردی سوریه در سیاست خارجی ایران: در نگاهی کلی سوریه کشوری دارای اهمیت و نقش راهبردی در حداقل خاور نزدیک و خاورمیانه و نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است و ژئوپلیتیک سوریه به گونه ای است که جایگاهی خاص و راهبردی برای این کشور رقم زده است. اهمیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران در محورهای زیر خلاصه می شود: سوریه تنها هم پیمان منطقه ای ایران است؛ موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه در خاورمیانه، هم سویی سیاست های ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی دو کشور، همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی و لبنان، حمایت از جریان مقاومت اسلامی و جبهه اول مبارزه با رژیم صهیونیستی، نقش تأثیرگذار سوریه در معادلات سیاسی لبنان (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۳). لذا بحران در سوریه از طریق عوامل زیر امنیت ملی ایران را متأثر خواهد ساخت.

کاهش قدرت مانور محور مقاومت: یکی از مهم ترین پیامدهای بحران سوریه تضعیف محور مقاومت خواهد بود. سوریه در طول سه دهه گذشته تنها متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بوده است. دو کشور تعاملات و همکاری راهبردی مهمی تجربه کرده اند. مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد صهیونیستی و حمایت از گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم ترین مؤلفه های مشترک سیاست منطقه ای ایران و سوریه به شمار می روند که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده است. سوریه به لحاظ راهبردی بیشترین اهمیت را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه ای مهم برای حمایت ایران از گروه های مقاومت، نقش آفرینی منطقه ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی، امریکا و غرب به حساب می آید. بر این اساس آغاز ناآرامی ها در سوریه و گسترش تشدید بحران در این



کشور بیشترین نگرانی‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران از حیث تضعیف محور مقاومت ایجاد کرده است (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

بحران سوریه برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه: یکی از اولویت‌های ایران در مورد سوریه از ابتدای انقلاب اسلامی، مسائل سیاسی و توازن قدرت منطقه‌ای بوده است. از شروع بحران سوریه، این کشور به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. بیشترین فشارها اکنون در سوریه از طرف عربستان و ترکیه اعمال می‌شود. این کشورها عملاً مشغول حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف در سوریه هستند و امید دارند که سقوط اسد، راه را برای یکه‌تازی آن‌ها در خاورمیانه هموار سازد. درعین حال، سقوط اسد نه تنها ایران را از لبنان محروم می‌کند بلکه عراق را به عنوان حوزه نفوذ جدید ایران در خطر قرار می‌دهد. علاوه بر سرمایه‌گذاری عربستان در عراق و گروه‌هایی که به شکل بالقوه آماده تحرک برای تأمین منافع ریاض هستند، ترکیه نیز در شمال عراق حضور دارد که سیاست‌هایش چندان با ایران همخوانی ندارد. بدین ترتیب سقوط سوریه، مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار حکومت جدید سوریه قرار می‌دهد که با تکیه بر شواهد، هم‌پیمانی استراتژیکی با ایران را فسخ کرده و به محور عربستان می‌پیوندد. در چنین شرایطی، بقای حکومت اسد برای ایران تنها حمایت از یک هم‌پیمان قدیمی و ادای دین به این هم‌پیمان به خاطر حمایتش از تهران در زمان جنگ با عراق نیست؛ بلکه موضوعی حیاتی در قالب ساختار قدرت و موازنه قوا برای ایران است (نجات و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳).

از جمله عوامل تحکیم روابط ایران و سوریه طی چند دهه گذشته موضع توازن قدرت در منطقه و مقابله با دشمنان مشترک بوده است (الغریر، ۲۰۱۱: ۴). موضوعات سیاسی و موازنه قدرت منطقه‌ای از اولویت‌های ایران در مورد سوریه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. از آغاز بحران سوریه، این کشور به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است و بیشترین فشارها علیه نظام سوریه اکنون از سوی ترکیه، عربستان سعودی، قطر و رژیم صهیونیستی اعمال می‌شود. این بازیگران در عمل مشغول حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف نظام سوریه هستند و امید دارند سقوط بشار اسد، راه را برای یکه‌تازی آن‌ها در غرب آسیا هموار سازد (نجات، ۱۳۹۶: ۲۴۸).



سقوط بشار اسد نه تنها ایران را از منطقه و لبنان محروم می کند، بلکه عراق را بعنوان حوزه نفوذ جدید ایران در خطر قرار می دهد (ابوهلال، ۲۰۱۱: ۱۰). ایران بر این باور است که اگر نظام سوریه بخواهد تغییر کند، ایران متحد راهبردی خود را که می توانسته آزادی عملی را در بخش غربی آسیا برای آن به وجود بیاورد از دست می دهد؛ چون مدعیان زیادی دارد و آن نظام به کسانی وابستگی دارد که به گروه های مخالف کمک کردند یا برای حفظ قدرت خود مجبورند به قدرت های منطقه ای یا فرا منطقه ای وابسته شوند. در هر صورت برتری و تفوق مخالفان بر حکومت فعلی و دست به دست شدن قدرت در سوریه مترادف با چرخش کامل سیاسی از تمایل و رابطه نزدیک با ایران به سمت ترکیه، عربستان سعودی و هم پیمانان آن است. به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه، به معنی افزایش حلقه ای دیگر به زنجیره رقبای منطقه ای ایران و از دست رفتن یک هم پیمان استراتژیک منطقه ای قلمداد می شود. (نجات و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴). براساس نظریه هانتینگتون، آمریکا برای دسترسی به اهداف خود قدرت تواند با قدرت های درجه دوم منطقه ای که معمولاً با قدرت اول منطقه ای تضاد منافع دارند، همکاری و تقسیم کار نماید. یکی از قدرت های درجه دوم منطقه ای که از دیرباز همکاری های گسترده ای با ایالات متحده آمریکا داشته عربستان سعودی بوده است. این کشور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به عنوان موازنه کننده و مانعی برای جلوگیری از تأثیرات منطقه ای و نفوذ ایران، ایفای نقش نموده است (نیاکویی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

لذا عربستان به طور مشخص سوریه را از دریچه رقابت های منطقه ای با ایران (مهار الگوی نفوذ معنوی ایران) نگاه می کند و در واقع برای کاهش نفوذ ایران در منطقه یا مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح شده بود، در مقابل نظام اسد گام بر می دارد. عربستان دامنه این تهدید را بعد از بیداری اسلامی گسترده تر می بیند و نزدیکی گروه های مقاومت و به خصوص سوریه به ایران را به منزله برهم خوردن تعادل منطقه ای و به حاشیه رفتن سیاست های سعودی می داند؛ بنابراین عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی - عربی تلاش دارد تا موقعیت ایران در سوریه را کاهش دهد (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

بحران سوریه ممکن است منجر به همان چیزی شود که باری بوزان از آن به عنوان تحول ساختاری در مجموعه امنیتی نام برده است. به تعبیر باری بوزان دگرگونی داخلی در کشور سوریه باعث تغییر در صف بندی بین کشورها می شود و این صف بندی و آرایش جدید بازیگران منطقه



باعث حضور فراگیرتر بازیگران فرامنطقه ای میشود و در نتیجه به انزوای بیشتر ایران در محیط امنیتی منطقه می شود که تبعات بین المللی را برای ایران به همراه خواهد داشت (میر زاده کوهشایی، ۱۳۹۳، ۱۸۳).

شکاف قومی-مذهبی: از آغاز شکل گیری تنش در سوریه، گروه های متعددی موسوم به گروه های تروریستی تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده اند. ویژگی مشترک و غالب همه این گروه ها، بنیادگرایی، سلفی گری، جزمیت، تخریب مقابر و شعائر مذهبی، انجام جنایات وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم بی گناه در لوای اسلام است. در راستای این نوع از اسلام مقام معظم رهبری فرمودند: «آنچه دیده می شود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله می کنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت می سازد، با صهیونیسم می سازد، در خدمت هدف های آمریکا قرار می گیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام می دهند؛ اگر چه آن طوری که انسان می شنود - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل **تعصّب آمیزی** در برخی از کشورها - اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر - ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پابند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند...». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع قاریان قرآن در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸)، این بیانات به خوبی هویت غیر اسلامی این جنبش ها را هویدا می سازد. که بیشتر دارای اهداف سیاسی هستند تا رنگ و بوی دینی و اسلامی. در این راستا مقام معظم رهبری فرمودند که: «اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه های تکفیری را به راه می اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می بینید، می شنوید، یا خبر دارید. وسائل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها می گذارند...»، (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع کارگزاران حج ۱۳۹۲/۰۶/۲۰)، این بیانات به خوبی اهداف شکل گیری و دلایل گسترش اسلامگرایی تکفیری-وهابی را به خوبی نشان می دهد از این رو یکی از مهم ترین اهداف این



گروه‌ها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، بانام اسلام رادیکال و فرقه‌بازی‌های اسلامی است. هدف نهایی چنین پروژه‌ای، مخدوش نمودن چهره اسلام و مقدسات و معرفی وجه منفی آن به جهانیان است و این مسئله سبب تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی و شکاف‌های قومی خواهد شد (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

کاهش نفوذ ایران در منطقه: عربستان طی سالهای گذشته در چارچوب رقابت با ایران بر سر برتری منطقه ای به شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق، لبنان و بحرین و تشکیل آنچه با عنوان هلال شیعی نامیده می شود نگران بوده و تلاش کرده است این نفوذ را مهار کند. عربستان همچنین از اینکه سوریه به عنوان یگانه کشور عربی به صورت متحد استراتژیک ایران در آمده، پیوسته ناخشنود و خشمگین است. سوریه برای سال ها نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را برعهده داشته است؛ از این رو، تضعیف سوریه و سرنگونی اسد موجب تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه ای ایران و مهار آن می شود؛ بدین ترتیب، این کشور بروز بحران سیاسی در سوریه را بهانه ای برای تصفیه حساب با ایران یافته است. به عبارت دیگر، از نگاه ریاض، سرنگونی نظام سوریه ضربه سختی به امکانات ایران و تضعیف قدرت مانور آن در منطقه می زند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۰). در واقع مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک ترین همسایه های خود یعنی بحرین و یمن از مهمترین اهداف عربستان سعودی در منطقه است (Kamrava, 2013: 6). در جریان تحولات سوریه، قدرت های رقیب منطقه ای ایران همانند عربستان سعودی و ترکیه از وضعیت موجود ناراضی و خواهان تغییر در موازنه قدرت منطقه ای هستند. این بازیگران سعی دارند با ایجاد گسست در محور مقاومت و جدا کردن سوریه از آن، موازنه منطقه ای را به سود خود تغییر دهند. در هر صورت، نگاهی به ساخت سیاسی و مذهبی مخالفان حکومت سوریه و کشورهای پشتیبان آنها نشان می دهد که تفوق مخالفان بر حکومت فعلی و دست به دست شدن قدرت در سوریه مترادف با تغییر کامل سیاسی از تمایل و رابطه نزدیک با ایران به سمت غرب، عربستان سعودی و هم پیمانان آن است. به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه، به معنی افزایش حلقه ای دیگر به زنجیره رقبای منطقه ای ایران و از دست رفتن یک هم پیمان استراتژیک منطقه ای قلمداد می شود. این امر می تواند موازنه قدرت منطقه ای را به ضرر ایران تغییر دهد. از همین رو، ایران تاکنون ضمن حمایت از دولت سوریه به عنوان متحد راهبردی خود و عضو کانونی محور مقاومت، بر



راه حل های سیاسی و مسالمت آمیز برای حل و فصل بحران تاکید و از مداخله خارجی یا حمایت های مالی و تسلیحاتی از مخالفان سوری به شدت انتقاد کرده است. (نجات، ۱۳۹۶: ۲۵۵-۲۵۴) اما از طرف دیگر با آغاز ناآرامی ها و شکل گیری بحران سیاسی سوریه فرصت مناسبی برای ترکیه مهیا شد تا به وسیله تغییر و جایگزینی نظام هم راستا با سیاست های منطقه ای خود در سوریه، موازنه قدرت منطقه ای را به نفع خود تغییر دهد (Bulent and Flanagan, 2012). در مورد نقش ترکیه در خاورمیانه باید اشاره شود که غرب خواستار ارتقاء جایگاه ترکیه در منطقه خاورمیانه است که این امر باعث تضعیف موقعیت روسیه در این منطقه می شود (آدمی، ۱۳۹۲: ۵۹).

آنکارا بر این نظر است که اگر بشار اسد همچنان بر سر قدرت باشد، موازنه بین ایران، عراق و سوریه دسترسی ترکیه به جنوب غرب آسیا را با مشکل مواجه می کند. ترکیه بر این تصور بوده است که با تغییر نظام حکومتی در سوریه و روی کار آمدن دولتی نزدیک و هم راستا می تواند حوزه نفوذ خود را در منطقه غرب آسیا و شرق مدیترانه گسترش دهد؛ به همین دلیل، سیاست خارجی این کشور برای اینکه در آینده جای پای محکمی در سوریه برای خود ایجاد کند به حمایت مخالفان بشار اسد پرداخته است. (نجات، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

بحران سوریه و تغییر رژیم در این کشور باعث زیان راهبردی مهم برای ایران و کاهش نفوذ ایران در حوزه شرق مدیترانه، مسائل لبنان و فلسطین و حتی عراق می شود. سقوط رژیم اسد نه تنها می تواند نفوذ ایران در دنیای عرب را تحت تأثیر قرار دهد، بلکه می تواند حمایت نظامیان کشور از حزب الله را نیز کاهش بدهد. همچنین باعث تغییر موازنه قدرت منطقه ای به نفع رقبای منطقه ای ایران از جمله عربستان سعودی و ترکیه خواهد شد (عسگرخانی، ۱۳۹۵: ۱۲-۴).

تأثیرات حضور روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: بر طبق نظریه انتخاب عقلانی حضور روسیه در سوریه در کنار ایران سبب تضعیف تروریسم، شکست محور عربی-ترکی-آمریکایی شده و تثبیت قدرت بشار اسد را در پی خواهد داشت که این مسئله پیروزی مهمی برای ایران در بازی های راهبردی منطقه خواهد بود مسئله ای که بیشترین سود و کمترین ضرر را برای امنیت ملی ایران بدنبال خواهد داشت. چرا به محض خروج نظام سوریه از وضعیت قرمز امنیتی، بر انگیزه های ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی آن افزوده خواهد شد و این موضوع، قطعاً به تعمیق توان محور مقاومت خواهد انجامید که دارای ارزش حیاتی برای امنیت ملی ایران است که بر



اساس نظریه انتخاب عقلانی نتیجه‌ای برد-برد را برای ایران و روسیه رقم خواهد زد. اما حضور روسیه در سوریه فقط مختص به عوامل فوق نیست، بلکه سبب تقویت موقعیت اسد به‌عنوان متحد درجه اول ایران در سوریه خواهد شد. دخالت روسیه موجب تضعیف موقعیت داعش در سوریه و تقویت موقعیت دولت اسد برای مذاکرات آتی بدون حضور روسیه سبب تضعیف داعش می‌گردد و با توجه به آنکه داعش در حال حاضر یکی از مهم‌ترین تهدیدها تلقی می‌شود که تضعیف آن به نفع امنیت ملی ایران است. فراهم شدن نقش‌آفرینی بیشتر برای ایران در مذاکرات بین‌المللی درباره سوریه در نهایت موجب تقویت راه‌حل سیاسی می‌شود و این خواست اصلی ایران در روند بحران سوریه است و تهدیدات و ارزش مشارکت با ایران در نزد غربی‌ها افزایش می‌یابد. چون غربی‌ها نگران نقش منطقه‌ای روسیه شده و به ایران بیشتر نزدیک می‌شوند. در اینجا نقش مستقل ایران جذابیت بیشتری برای غربی‌ها می‌یابد بنابراین بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی حضور روسیه در سوریه بیشترین سود و کمترین هزینه را برای ایران در پی خواهد داشت. منفعت‌های این حضور در بالا اشاره گردید اما هر عملی بر اساس این رویکرد خالی از ضرر نیز نخواهد بود، لذا ضررهای حضور روسیه در سوریه برای ایران در قالب نقش مؤثر ایران در صحنه جنگ سوریه تحت تأثیر رهبری عملیات هوایی روسیه قرار می‌گیرد. ایران مستقل از سیاست‌های روسیه صرفاً بر اساس تقویت مقاومت اسلامی در برابر تهدید اسرائیل در سوریه است و روسیه با اسرائیل هیچ‌گونه ضدیتی ندارد درحالی‌که مقاومت در برابر اسرائیل مهم‌ترین دلیل حضور ایران در جبهه مقدم سوریه است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

نظریه انتخاب عقلانی به‌خوبی می‌تواند پاسخگوی دلایل حضور روسیه در سوریه باشد. بر اساس این نظریه، طرف درگیر پس از محاسبه، چنانچه فایده یک عمل را بیش از زیان آن بداند وارد آن عمل خواهد شد. لذا روس‌ها با تحلیل شرایط موجود و تعریف دکترین سیاست خارجی خود کمک به برقراری یک نظام چندقطبی و رسیدن به رشد و ارتقاء نقش بین‌المللی کشور همانند یک قدرت بزرگ و یکی از مراکز جهانی، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی دینی و مقابله با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو اقدام به مداخله نظامی در سوریه کردند. این مسائل باعث شد تا دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری در روسیه به این نتیجه برسند که سود جنگ و دفع تهدیدات



و تحقق اهداف فوق در سایه جنگ بسیار بیشتر از هزینه‌های آن است. اما تأثیر این حضور بر امنیت ملی ایران این‌گونه قابل بررسی است که «بحران سوریه و دخالت عربستان، ترکیه و آمریکا باعث بی‌نظمی امنیتی و گسترش تروریسم در سوریه و برهم زنده توازن و تعادل در این کشور است و باعث نزدیکی روابط ایران و روسیه در درک مشترک از تهدیدات مشترک می‌باشد»؛ «از طرف دیگر با توجه به جهانی شدن امنیت و تأثیرپذیری کشورها از یکدیگر، همکاری روسیه با ایران باعث شکل‌گیری یک ائتلاف علیه تروریسم شد و به تبع آن ممکن است باعث شکل‌گیری یک ساختار امنیتی منطقه‌ای با رهبری ایران و روسیه در منطقه شود که مستقیم و غیر مستقیم منافع ملی ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد». بنابراین بر اساس نظریه انتخاب عقلانی همکاری ایران و روسیه در سوریه باید بر مبنای اصل منافع مشترک مورد بررسی قرار گیرد که دو طرف منتفع شده و به اهداف خود برسند و هزینه‌های تهدیدات را به حداقل کاهش داده و حداکثر سود را نصیب خود گردانند.

ب - پیشنهادها:

۱- دو کشور ایران و روسیه نه تنها در سوریه بلکه در کل منطقه باید درک مشترکی از تهدیدات و فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که امنیت در منطقه بازتعریف شود و دو کشور برداشت نزدیک به هم از این مفهوم داشته باشند و امنیت یک کشور در ارتباط با امنیت دیگران تعریف شود. در این شرایط باید کشورهای منطقه به رهبری روسیه و همکاری با ایران و لحاظ نمودن چین در تحولات منطقه اقدام کرده و در راستای یک ساختار امنیت دسته‌جمعی عمل کنند تا بتوانند با همکاری بر چالش‌های امنیتی، تروریستی و همزونی آمریکا فائق آمده و به تقویت ثبات، رونق امنیت در منطقه و گسترش نظاً چندقطبی کمک کنند.

۲- در مرحله دوم، ایران و روسیه باید حل و فصل مناقشات را در چارچوب منافع مشترک و ضرورت رسیدن به سازوکار تعاملی برای ثبات سازی و صلح تعریف کنند و هدف سازی و کار مذکور باید در حقیقت نفی هرگونه رویارویی باشد و ضرورت ارتباطات گسترده در همه امور به‌ویژه امنیت باید مورد تأکید قرار گیرد.

۳- در مرحله سوم، امنیت منطقه نباید صرفاً در حوزه نظامی تبیین شود بلکه باید سایر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در برگیرد. تنها در چنین شرایطی است که زمینه‌های مساعد همکاری گسترده تر فراهم می‌شود



۴- چهارم، روسیه باید به اهمیت همکاری با ایران در تمام ابعاد پی برده و تلاش کند با توجه به تجارب موفقیت‌آمیز گذشته‌ی همکاری با ایران در مبارزه با تروریسم نسبت به تقویت و افزایش همکاری‌های ایران و روسیه در حل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ابعاد گسترده‌تری ببخشد. این مسئله به عقیده کارشناسان روس از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست، سبب حفظ ثبات منطقه در برابر نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود و دوم، منجر به افزایش قدرت روسیه در مخالف با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو و زیاده‌خواهی آن‌ها در خاورمیانه و مبارزه با گروه‌های تکفیری وهابی می‌شود. دو کشور ایران و روسیه چیزی برای ارائه به یکدیگر و به کشورهای منطقه داشته باشند و به‌عبارت‌دیگر تمامی اعضا به تناسب برای خود منافی در اقدام جمعی ببینند؛ در این شرایط روابط دوجانبه و چندجانبه و اصل گفتگو در ارتباط با همه مسائل موجب اعتمادسازی می‌شود. در حقیقت، هدف این است که در صورت تحقق مراحل فوق، تفاهم و همکاری جایگزین تقابل و رقابت شود. در صورتی که در خاورمیانه و بحران سوریه بتوان روی اصول فوق کارکرد و موفقیت‌هایی کسب نمود، آنگاه می‌توان ادعا کرد گام‌های اساسی در مسیر رفع نگرانی‌های امنیتی برداشته شده است و زمینه‌های مناسبی برای برقراری ترتیبات امنیتی جمعی به رهبری روسیه و ایران به وجود آمده است. در واقع یکی از اساسی‌ترین عناصر لازم برای ایجاد همبستگی، تضمین امنیت و بقای کشورهای این ناحیه در تعاملاتشان با یکدیگر است. بدون تضمین امنیت متقابل در میان کشورهای این منطقه، آینده همبستگی با چالش‌های بنیادین مواجه خواهد شد.



فهرست منابع

الف - منابع فارسی:

- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع قاریان قرآن در محفل انس با قرآن ۰۸/۰۴/۱۳۹۳
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع کارگزاران حج ۲۰/۰۶/۱۳۹۲
- اسدی، علی اکبر، (۱۳۹۱)، "بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای"، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره پنجاه.
- ترابی، قاسم و محمدیان، علی (۱۳۹۴)، "تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران"
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای"، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۴.
- حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۴)، "نظریه انتخاب عقلانی"، سایت باشگاه اندیشه.
- داوید، دومینیک، (۱۳۸۲)، "مفهوم امنیت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر"، ترجمه معصومه سیف افجه‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۰)، "نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر"، مترجم محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- "سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی"، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳.
- صادقی، شمس‌الدین، لطفی، کامران، (۱۳۹۴)، "تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی"، سال ششم، شماره اول.
- عسگرخانی، ابو محمد، عبدالسلام، تقی، (۱۳۹۵)، "بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۷.
- علی وردی نیا، اکبر و صالح صالح نژاد، (۱۳۹۲)، "کاربست‌های نظریه‌گزنیش عقلانی در تبیین جرائم و ارائه دلالت‌های سیاستی برای پیشگیری از جرم، مجله کارآگاه"، دوره دوم، سال هفتم.
- کرایب، یان، (۱۳۹۳)، "نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس)"، عباس مخبر، نشر آگه، تهران.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۶-۱۳۸۷)، "ایران و اوراسیای مرکزی: آشفته‌گی نقش و عملکرد"، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران (سال اول، شماره ۱)
- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷) "بنیادهای نظریه اجتماعی"، منوچهر صبوری کاشانی. تهران نشر نی.
- کوشکی، محمد صادق و طاهری بزی، ابراهیم، ۱۳۹۳، "حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)"، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱.
- کوهکن، علیرضا؛ تجری، سعید، (۱۳۹۳)، "بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، (شماره پیاپی ۴۰).
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳) "تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی بر فلسفه علم/اجتماع"، عبدالکریم سروش، تهران، نشر صراط.



- مرادی، اسدالله و شهرام نیا، امیر مسعود، (۱۳۹۴)، "بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵.
- میرزاده کوهشاهی، مهدی، ۱۳۹۳: "استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه"; سناریو ها و پیامدها، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱۱.
- نجات، سید علی (۱۳۹۳)، "راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان، ص. ۶۳۱-۶۵۵.
- نجات، سید علی و اصغر جعفری ولدانی، (۱۳۹۲) "بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه"، پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۲.
- نجات، سید علی (۱۳۹۶)، "بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای"، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نیاکوئی، امیر؛ بهمنش، حسین: ۱۳۹۱، "بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۳۵-۹۷.

ب - منابع انگلیسی:

- Bulent , Aliriza and Stephen Flanagan (2012), "The End of Zero Problems? Turkey and Shifting Regional Dynamics ", Center for Strategic and International Studies [CSIS], 12 April 2012 ,
- Katz, Mark N. (2015) "Iran and Russia," The Iran Primer,
- Weir, Fred (2015) "Goodbye Washington, Hello Moscow? Saudi Arabia Finds Friendly Face in Putin", Christian Science Monitor, July 3,
- Razi, H. (1988), "An Alternative Paradigm to State Rationality in Foreign policy", Political Research Quarterly.
- Udehn, L. (2001). Methodological Individualism; Background, history and meaning. London: Routledge.
- Walt, S. (1999), "Rational Choice and Security Studies", International Security, Vol.23, No.4, spring, p.9.
- Andrei Kozyrov, Russian interest in the CIS, International Affairs, No.11
- Cohen, Josh, (2016), "Russia's Syria Campaign: Why Putin Had Decided to Move into Syria", The Intersection Project : <http://intersectionproject.eu/article/russia-world/russias-syria-campaign>.
- Dobbs, Joseph, (2016) "Why the West Specially Europe Needs Russia", European Leadership Network : http://www.europeanleadershipnetwork.org/why-the-west-especially-europe-needs-russia_3471.html.
- Fisher, S. (2003), "rational choice", Political sociology lecture 3, MT03. URL: <http://malroy.econ.ox.ac.uk/fisher/polSOC>.
- Juado, Elena, ۲۰۱۶, "Russia's role in a multi-polar world", foresight (foreign common futures in a multi-polar world): 6, 7, www.policy-network.net/publications_download.aspx?ID=3366



- Mazurova, Nicole, 2016, "Russia's Response to Terrorism: History and Implications for U.S. Policy", American Security Project (ASP):
- SIPRI, (2017) "Biological, Chemical and Nuclear Weapons", Stockholm International Peace Research Institute :
- Грин, Д.П, 1997, Объяснения политики с позиций теории рационального выбора: почему так мало удалось узнать? / Д.П.Грин, И. Шапиро - //Современная сравнительная политология: хрестоматия / Науч. ред. Г.В. Голосов, Л.А. Галкина – М.:Московский общественный научный фонд.
- Екатерина Степанова, 2016, Политика России по Сирии на этапе военного вмешательства, ПОНАРС Евразия Аналитическая записка № 421.
- Казанцев, Андрей, 2014, д.полит.н, Новые и старые угрозы безопасности в Центральной Азии: вызов для внешней и оборонной политики России,
- Култыгин, В.П., 2004, Теория рационального выбора – возникновение и современное состояние / В.П. Култыгин // Социс, № 1 .
- Сморгун, Л.В., 2004, Современная сравнительная политология. Учебник / Л.В. Сморгун – М.: РОССПЭН.
- Швери Р, 1997, Теория рационального выбора: универсальные средства или экономический империализм? // Вопросы экономики, № 7.
- Карен Брутенц, 2014, Великая геополитическая революция, Издательство: Международные отношения, Год издания.

ج - سایت‌ها:

- <https://www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/biological-chemical-and-nuclear-weapons>.
- Terrorist Attacks in Russia's North Caucasus Down 50%." The Moscow Times. October 14, 2014. <http://bit.ly/2aQMZWj>.
- Tsvetkova, Maria, 2016, "How Russia Allowed Homegrown Radicals to Go and Fight in Syria." Reuters. May 13. <http://reuters/1rK2cOn>.
- <http://www.csmonitor.com/World/Europe/2015/0703/Goodbye-Washington-hello-Moscow-Saudi-Arabia-finds-friendly-face-in-Putin>.
<http://www.mgimo.ru/news/experts/document262190.phtml>, 2014.c3-7.
- <http://www.oasiscenter.eu/press-review/2016/07/01/how-russia-allowed-homegrown-radicals-to-go-and-fight-in-syria>.
- <https://www.americansecurityproject.org/wp-content/uploads/2016/10/Ref-0200-Russias-Response-to-Terrorism.pdf>
- <http://iranprimer.usip.org/resource/iran-and-russia>.
- http://csis.org/files/publication/120413_gf_aliriza_flanagan.pdf

